

تحریف سیره و سنت پیامبر (ص) توسط معاویه

از میان دشمنان اسلام تنها طایفه ای که لحظه ای دست از عداوت و دشمنی با پیامبر و مسلمانان برنداشت، طایفه بنی امیه بود. سرکرده این طایفه ابوسفیان بود؛ او کسی بود که تا پیش از فتح مکه، یکی از دشمنان سرسخت اسلام و مسلمانان به حساب می‌آمد. او کسی بود که جنگ بدر، احد و احزاب را به قصد نابودی اسلام راه اندازی کرد و تا فتح مکه لحظه ای عقب نشست و فرزندش معاویه - که در فساد، طغیان و بی دینی، کمتر از پدر خود نبود - از همان اول بنای مخالفت با پیامبر و اهل بیت او را گذاشت. پس از شهادت امیر مومنان (ع) بدترین فشارها را علیه شیعیان و پیروان آن حضرت روا داشت .

و می توان گفت کسی که بیش ترین لطمه را به پیکره اسلام و مسلمانان وارد کرد، معاویه بود؛ چرا که او طی پنجاه سالی که بر مسلمانان مسلط شده بود، نه تنها بسیاری از حرمت ها را شکست بلکه در تحریف سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) (تلاش زیادی کرد .

امیر مومنان که بهتر از هر کس دیگری سابقه دیرینه این طایفه و علی الخصوص معاویه را می دانست، طی نامه ای به مردم عراق به این مسئله اشاره کرده و چنین خاطر نشان می سازد :

((بدانید که شما مردم عراق با کسانی رو به رو شده اید که طلقاً (آزاد شدگان) و فرزندان طلقاً هستند، و با گروهی می جنگید که به زور و به اکراه اسلام آورده اند. آنان از دشمنان خدا و سنت

پیامبر و قرآن مجید و پیروان احزاب و بدعت ها می باشند.)) (۱)

و در خطبه دیگری به هنگام تشویق یاران خود به هنگام رفتن به جنگ علیه معاویه فرمود :

((پیش به سوی دشمنان خدا و سنت و قرآن مجید؛ به سوی باقی ماندگان احزاب و قاتلان

مهاجران و انصار)) (۲)

روش های معاویه در تحریف سیره نبوی

برخوردهای زشت و زننده معاویه بن ابی سفیان با راویان حدیث نبوی، نشان دهنده عمق کینه

توزی و حقد و حسد او نسبت به پیامبر و یارانش می باشد .

او گاهی با شنیدن حدیثی از پیامبر، با نشان دادن حرکات زشتی از خود، راوی و روایت را به باد

مسخره و استهزا می گرفت که نمونه های زیر بهترین گواه ما است :

تمسخر سعد

علامه امینی از طبری از ابن ابی نجیح نقل کرده: وقتی که معاویه جهت ادای مراسم حج به مکه

آمده بود، پس از طواف به سوی دارالندوه رفت در حالی که سعد بن ابی وقاص او را همراهی می

کرد .

معاویه او را بر تخت در کنار خود نشانیده و شروع به دشنام دادن به علی (ع) کرد. سعد گفت: مرا

در کنار خود نشانیده و علی (ع) را دشنام می دهی؟! به خدا سوگند اگر یکی از صفات علی (ع) در

من بود، برایم بهتر بود از آنچه که آفتاب بر آن بتابد... (۳)

علامه امینی در ادامه این ماجرا، از ابن عایشه و دیگران نقل کرده: وقتی سعد چنین گفت، بلافاصله از جای خود برخاسته تا برود، معاویه بادی از خود خارج کرده و گفت: بنشین تا جواب خود را دریافت کنی، تاکنون در نزد من این گونه پست و فرومایه جلوه نکرده بودی. اگر چنین است که تو می گویی، پس چرا با او بیعت نکردی در حالی که اگر من چنین چیزی از پیامبر شنیده بودم تا زنده بودم خدمتگزارش می بودم... (۴)

تمسخر ابوقتاده

و آن روزی که معاویه وارد مدینه شد، ابوقتاده با او رو به رو گشت. معاویه گفت: ای ابوقتاده! به جز شما گروه انصار، همه مردم با من دیدار کردند. چه چیز مانع شد که به دیدنم نیایید؟ ابوقتاده گفت: چهارپایانمان همراه ما نبود. معاویه گفت: پس شتران شما چه شدند؟ ابوقتاده گفت: آن ها را در آن روزی که در پی تو و پدرت در جنگ بدر بودیم، پی کردیم. سپس گفت: پیامبر به ما فرمود که ما پس از او سختی ها و مشکلاتی خواهیم دید. معاویه گفت: در این صورت به شما چه دستوری داده است؟

ابوقتاده گفت: ما را به صبر و شکیبایی دستور داده است .

معاویه گفت: پس صبر کنید تا وی را ملاقات کنید. (۵)

اهانت و اخراج

روزی ابوبکره در مجلس معاویه حاضر شد. معاویه گفت: ای ابابکره! برای ما حدیث بگو. ابوبکره گفت: از رسول خدا شنیدم که می فرمود: سی سال , خلافت است و سپس , پادشاهی خواهد شد. عبدالرحمن بن ابی بکره گوید: من نیز در آن موقع همراه پدرم بودم, پس معاویه با شنیدن این حدیث, دستور داد تا با پس گردنی ما را از آن جا بیرون کردند.(۶)

تهدید ناقلان حدیث

از جمله کارهایی که معاویه در رابطه با منع و جلوگیری از احادیث رسول الله انجام داد, این بود که برخی از یاران رسول خدا(ص) را در صورت نقل روایت, به کشتن تهدید کرده بود .

نصر بن مزاحم می نویسد: معاویه کسی را به سراغ عبدالله بن عمر فرستاده, به او گفت: اگر بشنوم که حدیثی را نقل کرده باشی, گردن تو را خواهم زد.(۷)

برخورد با سیره و سنت پیامبر(ص)

حقد و کینه دیرینه معاویه او را وامی داشت که به سخنان دربار پیامبر نیز نگاه دیگری کند, بدین جهت از همان اول بنا را بر این گذاشت که سخنان و سنت پیامبر(ص) را جعل و تحریف و تغییر و همچنین با تعافل و انکار بلکه اظهار رای در برابر سنت پیامبر و ده ها برنامه دیگر برای محو سنت, و تلاش مستمر و پی گیر برای از بین بردن سیره و سنت پیامبر(ص) داشته باشد, به عنوان نمونه :

1. توبیخ راویان و به فراموشی سپردن روایات

معاویه از کسانی بود که بر خلاف سنت رسول الله (ص)، بازار رباخواری را در شام رواج داده بود و اگر فردی در این باره سخن می گفت، در برابرش سخت موضع می گرفت. و در برخی موارد از راوی می خواست تا از ذکر حدیث نبوی خودداری کند.

آورده اند که: عبادہ بن الصامت در شام دید که که شامیان در داد و ستد خود ظرف نقره ای را با دو برابر با ظرف نقره ای دیگر می فروشند. به نزد آن ها رفته، اظهار داشت: ای مردم! هر که مرا می شناسد که می شناسد و هر که مرا نمی شناسد، من عبادہ بن الصامت هستم؛ بدانید که در شب پنج شنبه در آخرین ماه رمضان از پیامبر شنیدم که می فرمود:

((طلا باید با طلا به وزن یکدیگر بدون هیچ زیادی داد و ستد شود، پس هر چه زیاد باشد ربا می باشد...))

مردم پس از شنیدن این حدیث از اطراف او پراکنده شده و رفتند. به معاویه خبر دادند که عبادہ چنین گفته است. معاویه پی او فرستاده و گفت: اگر تو پیامبر را همراهی و مصاحبت کردی، ما نیز از صحابه و یاران او بودیم و نیز از او شنیدیم.

عبادہ گفت: من او را دیدم و همراهش بودم و از او شنیدم. معاویه گفت: این چه حدیثی بود که از او نقل کردی؟! عبادہ همان حدیث را که از پیامبر (ص) در باره ربا شنیده بود، نقل کرد. معاویه گفت: از این حدیث چشم پوشی کن و دیگر جایی آن را نقل ننما. عبادہ گفت: آری من این حدیث را نقل می کنم گرچه بر خلاف میل معاویه باشد. (۸)

2. اظهار رای در برابر سنت پیامبر(ص))

وقاحت و بی شرمی معاویه به حدی بود که اگر به چیزی که بر خلاف سنت رسول الله بود و او عمل می کرد، نه تنها به هیچ وجه حاضر نبود از کار خلافت دست بردارد بلکه با اظهار رای خود در برابر سنت رسول الله(ص) می گفت: به نظرم این کار اشکالی ندارد .

نسائی در سنن خود از قتیبه از مالک از زید بن اسلم از عطاء بن یسار نقل می کند که معاویه ظرفی از طلا یا دیناری را به بیشتر از وزن خود فروخت، ابودردا گفت: از پیامبر خدا(ص) شنیدم که از همانند چنین چیزی نهی می کرد مگر به مثل خود (بدون هیچ کم و زیادی). (۹)

روشن نیست که نسائی فقط به همین قسمت اکتفا کرده یا بعدها بخشی از این گفت و گواز کتابش حذف گردیده است. زیرا علامه امینی از مالک و از نسائی همین مطلب را نقل کرده با اضافه مطلبی که در نسخه خطی سنن نسائی موجود نمی باشد .

وی آورده است که وقتی ابودردا این حدیث را از پیامبر نقل کرد، معاویه گفت: به نظر من این

معامله اشکالی ندارد. ابودردا گفت: چه کسی سخن من را درباره معاویه می پذیرد؟ (عجیب این

است) که من از رسول خدا(ص) به او خبر می دهم و او از رای و نظر خود برایم می گوید! سپس

اظهار داشت: هرگز در سرزمینی که تو در آن حکمرانی، زندگی نمی کنم... (۱۰)

3. تحریف مقصود پیامبر(ص))

بسیاری از یاران پیامبر(ص) از لبان مبارکش در باره عمار بن یاسر(ره) شنیده بودند که می فرمود:

((إما انك ستقتلك الفئه الباغیه))

در جنگ صفین که عمار به دست معاویه و هوادارانش به شهادت رسید، برخی از پیروان معاویه از

جمله عمرو بن عاص، وحشت زده به نزد معاویه رفته، معاویه پرسید: برای چه آمدی؟ عمرو خیر

شهادت عمار را به او داد. معاویه گفت: حال چه شده؟ عمرو گفت: از پیامبر(ص) شنیدم که می

فرمود: ((تقتله الفئه الباغیه))

معاویه گفت: آیا ما او را کشتیم؟! بلکه این علی و یارانش بودند که او را کشتند. زیرا، عمار را به

این جا آورده و در برابر نیزه ها و شمشیرهایمان قرارش دادند. (۱۱)

عجیب این است که این مکار و حيله گر در چند نوبت از شکست حتمی در جنگ، نجات یافت

از جمله وقت شهادت عمار بن یاسر بود که می رفت برخی از دوستان و همفکران و همزمان

خود را از دست بدهد که با تحریف فرمایش رسول الله(ص) (همفکران خود را فریب داد .

شبنجی در نورالابصار اضافه می کند: وقتی که این سخن به گوش علی(ع) رسید، فرمود: اگر من

قاتل عمار باشم با این بیان، پس باید پیامبر(ص) (حمزه را کشته باشد هنگامی که او را به سوی

کفار فرستاده و در این راه کشته شد. (۱۲)

آیه الله فیروزآبادی(ره) پس از نقل این جریان، اظهار می دارد: اگر چنین باشد که علی(ع) قاتل

عمار باشد چون او را به جنگ با معاویه فرستاده است، پس باید خداوند عده ای از پیامبران را

کشته باشد چرا که آن ها را برای ارشاد و هدایت کفار به سوی آنان فرستاده و در این راه کشته شدند. (۱۳)

4. صرف بیت المال برای تطمیع .

از جمله خیانت های معاویه نسبت به سیره و سنت پیامبر (ص) (این بود که اموال زیادی را از بیت المال برداشته و در جیب افرادی منحرف و کینه توز سرازیر می کرد تا با شان نزول آیات که از زبان پیامبر (ص) شنیده شده، بازی کرده و آن ها را تغییر دهند .

محدث قمی از ابوجعفر اسکافی نقل می کند که روایت شده : معاویه صد هزار درهم به سمره بن

جندب داد تا از پیامبر روایت کند که آیه (و من الناس من یعجبک قوله) در شان علی (ع) نازل شده و آیه (و من الناس من یشری نفسه ابتغای مرضاه الله) در شان ابن ملجم - لعنه الله علیه - نازل شده

است. پس او حاضر نشد که چنین روایتی را به دروغ از زبان رسول خدا (ص) نقل کند. معاویه

برای این که او را به چنین کاری حاضر کند، مبلغ را افزوده و دو بیست هزار درهم به او پیشنهاد

کرد. اما باز هم قبول نکرد. معاویه مبلغ سیصد هزار درهم را پیشنهاد کرد. اما باز هم نپذیرفت تا این

که به مبلغ چهار صد هزار درهم راضی شد و دست به چنین جنایتی زد. (۱۴)

5. انکار سنت پیامبر (ص)

هر چیزی را که معاویه نمی پسندید و یا برخلاف ایده اش بود، بی درنگ آن را رد می کرد، و اگر آن چیز از پیامبر (ص) رسیده و یا سنت و روش او هم بود، فوراً انکار می کرد که چنین چیزی از پیامبر نرسیده است .

در گفت و گویی که میان عباد بن الصامت و معاویه در باره فروش طلا به طلا و گندم به گندم و جو به جو... آمده است، وی با نقل حدیثی از پیامبر (ص) این خرید و فروش را مگر به مساوی نهبی کرد. معاویه در مقام انکار این حدیث به خشم آمده، اظهار داشت: چرا برخی از مردان، احادیثی را از پیامبر (ص) نقل می کنند در حالی که ما نیز از صحابه پیامبر بودیم ولی آن ها را از او نشنیده ایم؟! عباد که این سخن را از معاویه شنید، از جای برخاسته بار دیگر حدیث را نقل کرد و گفت:

ما آنچه را که از پیامبر شنیده ایم، نقل خواهیم کرد گرچه برخلاف میل و رغبت معاویه باشد .

(15)

6. میراندن سنت و احیای بدعت

معاویه بن ابی سفیان در میراندن سنت های نبوی و احیای بدعت ها، اهتمام فراوانی داشت که تاریخ بخشی از آن ها را به ثبت رسانده است .

علامه امینی در کتاب الغدیر بر ۲۷ مورد از آن ها اشاره کرده است؛ از جمله :

1. معاویه اولین کسی بود که فساد و فحشا را در بین مسلمانان رواج داد .

2. اولین کسی بود که ربا را حلال کرد و خورد .

3. اولین کسی بود که نماز را در سفر تمام خواند .
4. اولین کسی بود که بدعت اذان را در نماز عیدین (فطر و قربان) پایه گذاری کرد .
5. اولین کسی بود که جمع بین دو خواهر را جایز شمرد .
6. اولین کسی بود که سنت پیامبر(ص) را در دیات, تغییر داد و آنچه که از سنت نبود, اضافه کرد .
7. اولین کسی بود که تکبیر گفتن را قبل و پس از رکوع ترک کرد .
8. اولین کسی بود که در نماز عید خطبه را بر نماز مقدم داشت .
9. اولین کسی بود که حکم فرزندان نامشروع را نقض کرد .
10. اولین کسی بود که انگشتر را در دست چپ کرد .
11. اولین کسی بود که سب و دشنام به علی(ع) را آغاز کرد و آن را به عنوان سنت برقرار کرد .
12. اولین کسی بود که بیت المال را صرف تحریف کتاب خدا کرد .
13. اولین کسی بود که شرط بیعت کردن با او را سب علی بن ابی طالب(ع) قرار داد .
14. اولین کسی بود که سرمقدس صحابی پیامبر(ص) عمرو بن حمق را نزد او بردند .
15. اولین کسی بود که یاران عادل رسول الله(ص) را به قتل رسانید .

16. اولین کسی بود که زنان پیروان اهل بیت پیامبر را به قتل رسانید .

17. اولین کسی بود که خلافت اسلامی را به پادشاهی تبدیل کرد .

18. اولین کسی بود که لباس ابریشم به تن کرد و در ظرف طلا و نقره آب نوشید .

19. اولین کسی بود که آواز و غنای حرام شنید و اموال را بر آن صرف کرد .

20. اولین کسی بود که بر شهر پیامبر حمله ور شد و مردم آن دیار را ترساند. (۱۶)

پی نوشت ها :

1. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۳۲ .

2. صفین، ص ۱۰۵ .

3. الغدیر، ج ۱، ص ۲۵۷ .

4. همان، ص ۲۵۸ .

5. تاریخ الخلفاء، ص ۱۳۴ .

6. الغدیر، ج ۱۰، ص ۲۸۳ .

7. وقعه صفین، ص ۲۲۰ .

8. الغدیر، ج ۱، ص ۱۸۵ و اسدالغابه، ج ۳، ص ۱۰۷ .

9. سنن نسائی، ج ۷، ص ۲۷۹ .

10. الغدیر، ج ۱۰، ص ۱۸۴ .

11. سبعة من السلف، ص ۲۸۴ .

12. نور الابصار، ص ۸۹ .

13. سبعة من السلف، ص ۲۸۹ .

14. سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۵۴ .

15. سنن نسائی، ج ۷، ص ۲۷۵ .

16. الغدیر، ج ۱۱، ص ۷۲ .